

!! !! !! !! !! !! !!  
فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده  
سال هفتم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۱  
!! !!

## زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی تک‌زیستی دختران

محمدتقی کرمی قهی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۰۲

شهربانو پاپی‌نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۵/۰۷

---

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی زمینه‌های اجتماعی فرهنگی تک‌زیستی دختران مجرد در کلان‌شهر تهران پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از روش کیفی و تکنیک مصاحبه نیمه ساخت‌یافته برای گردآوری اطلاعات مورد نظر استفاده شد. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید و داده‌های گردآوری‌شده با روش تحلیل موضوعی یا تماتیک تحلیل شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد زمینه‌های نامساعد خانوادگی (از بین رفتن خانواده مبدأ و ناکارآمد بودن آن)، زمینه‌های اجتماعی فرهنگی (نظیر بالا رفتن سن ازدواج دختران، تجربه مهاجرت تحصیلی، تأثیرپذیری از گروه همسالان) و نیازهای اقتصادی از مهم‌ترین بسترهای موجود و زمینه‌ساز اقدام به تک‌زیستی اجباری دختران جوان است. از مهم‌ترین آثار تجربه تک‌زیستی دختران مجرد می‌توان به تنهایی، ناامیدی، اضطراب، افسردگی، خلأ محبت واقعی و آرامش در کنار خانواده، نداشتن احساس امنیت، عدم پذیرش این سبک از زندگی از سوی افراد جامعه و از همه مهم‌تر عدم تعلق به خانواده و به مرور زمان شکل‌گیری احساس پوچی در زندگی آنها اشاره نمود.

**کلید واژه:** خانواده، تک‌زیستی، دختران، تحلیل یاتماتیک.

1- mt.karami@yahoo.com

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

2- sh\_papynzhad@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی

## مقدمه

خانواده به عنوان نهاد نخستین و بنیادین جامعه است، به همین لحاظ بدیهی است که هر گونه اختلال در این نهاد، به اختلال در سایر نهادها و سازمان‌های اجتماعی منجر خواهد شد. با این وجود در سال‌های اخیر نگرانی از تضعیف یا فروپاشی احتمالی خانواده شدت یافته است. افزایش طلاق، افزایش خانواده‌های تک‌والد (آزاد ارمکی ۱۳۸۶: ۱۳)، افزایش فردگرایی (شکریگی، ۱۳۸۰ به نقل از: بک ۲۰۰۲: ۲۰۲) در روابط خصوصی از جمله مواردی است که منجر به افزایش نگرانی در خصوص خانواده شده است. زیرا از آنجا که خانواده مقتدر مبنای جامعه مقتدر است عقیده بر این است که فروپاشی خانواده منجر به فروپاشی جامعه خواهد شد. در غرب کاهش تعداد خانواده‌های هسته‌ای همراه با افزایش نسبت افرادی که به تنهایی زندگی می‌کنند، برخی از ناظران را به این ادعا واداشته که فردگرایی جایگزین زندگی خانوادگی شده است و این موضوع به عنوان کانون دلواپسی افراد، آنان را رنج می‌دهد (چیل ۱۳۸۸: ۱۰۷). در ایران نیز برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران خانواده درباره گسترش تک‌زیستی دلایل مختلفی از قبیل افزایش تحصیلات، افزایش اشتغال و بالا رفتن سن ازدواج دختران را مطرح می‌کنند. برخی دیگر نیز اعتقاد دارند در جریان صنعتی شدن، مهاجرت افراد از شهرهای کوچک و روستاها به شهرهای بزرگ‌تر، منجر به گسترش این سبک از زندگی و فردگرایی در ایران شده است که تبلور عینی آن، گسترش خوابگاه‌ها و خانه‌های مجردی است (آینده پژوهی مسائل خانواده ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۶۴). ولیکن در خصوص افزایش زندگی مجردی جوانان در ایران آمار دقیقی در دست نیست و طبق گزارش ارائه شده از سوی سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۹ آمار روی آوردن جوانان به زندگی مجردی نسبت به گذشته در ۶ کلان‌شهر تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز به ۳۰ درصد

رسیده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹/۱۲/۱۴). طبق نظر برخی از صاحب‌نظران و کارشناسان آمار رو به رشد زندگی مجردی در بین جوانان طی سال‌های اخیر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تهدیدکننده نهاد خانواده در ایران مطرح گردد. بدین جهت که در کشور ما که کشوری اسلامی با فرهنگ اصیل ایرانی است، تشکیل خانواده همواره ضرورتی اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌رود و تک‌زیستی در طول عمر یا حتی در دوره‌های کوتاه، جز به دلیل ضرورت‌های اجتماعی و فردی امری مذموم است. لذا با توجه به اینکه در توجیه رواج فرهنگ تک‌زیستی و افزایش آن در بین جوانان ایرانی به عوامل مهمی از جمله عوامل جمعیت‌شناختی، مشکلات ازدواج، تغییر در الگوهای جنسیتی زنان، استقلال مالی و اقتصادی زنان، تغییر کارکرد و مفهوم خانواده در دنیای جدید، کاهش اهمیت خانواده، امکان دست‌یابی به حداقل معیشت و استقلال اقتصادی به صورت فردی اشاره شده است. اما به نظر می‌رسد زندگی مجردی یا به اصطلاح تک‌زیستی دختران در جامعه ما نه تنها پذیرفته شده نیست بلکه زنگ خطری برای کانون خانواده است (حق‌شناس، ۱۳۸۹).

لذا پژوهش حاضر، بر این باور است که زمینه‌های تک‌زیستی دختران باید از نقطه‌نظر دختران تک‌زیست شناسایی گردد و به عبارت دیگر با رویکرد درون‌نگر انجام شود. این مطالعه می‌تواند درک واقع‌بینانه‌تری از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی این سبک از زندگی و زوایای پنهان و ذهنی آن را روشن کند، زیرا طبق نظرات ارائه شده از سوی صاحب‌نظران حوزه خانواده وجه قالب تک‌زیستی در ایران نیز زنانه می‌باشد. با توجه به مباحث ارائه شده این تحقیق به دنبال مطالعه و کاوش در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی تک‌زیستی دختران مجرد در کلان‌شهر تهران با استفاده از روش کیفی است.

نهاد خانواده در کشور ما همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و بیشتر مسائل فرهنگی، شخصیتی و اجتماعی ما در کانون خانواده شکل می‌گیرد، از این رو هر گونه تحقیق در این زمینه، هم می‌تواند روشنگر برخی از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ما باشد و هم به شناخت و برنامه‌ریزی برای حفظ ثبات و استحکام نهاد خانواده یاری رساند. لذا این تحقیق درصدد است تک‌زیستی دختران را نه صرفاً به عنوان یک رفتار، بلکه به عنوان یک کنش اجتماعی معنادار، دارای انگیزه‌های ذهنی و برخاسته از یک بستر معنایی خاص تلقی و مورد بررسی و کاوش قرار دهد. بنابراین، زمینه‌های تک‌زیستی به عنوان یک کنش اجتماعی معنادار از سوی سوژه‌ای عامل و کارگزار (دختران تک‌زیست) دارای پس‌زمینه‌ای چندبعدی است که نمی‌توان آن را صرفاً با نگاهی یک‌سویه و کمی‌گرا مورد مطالعه و ارزیابی قرار داد. ما در این مطالعه برآنیم به شناسایی مجموعه‌ای از عوامل از منظر خود افراد بپردازیم. لذا ضرورت این بحث و پژوهش در خصوص آن، نبود پژوهش و تحقیق پیرامون این موضوع از یک سو و گسترش این سبک از زندگی بالاخص در بین دختران از سوی دیگر است. این در حالی است که کارشناسان حوزه خانواده نسبت به پیامدهای افزایش این شیوه از زندگی در بین جوانان اعلام خطر نموده و هشدار داده‌اند. لذا مطالعه حاضر در نظر دارد با ورود به نظام معنایی دختران تک‌زیست در شهر تهران به بررسی دلایل و زمینه‌های اجتماعی تک‌زیستی از منظر دختران مجرد پرداخته و آنچه که دختران مذکور را بر اساس آن به این نوع زندگی متمایل ساخته درک و بازنمایی کند. بنابراین هدف کلی این مقاله مطالعه زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی تک‌زیستی دختران و اهداف جزئی‌تر این تحقیق را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- مطالعه دلایل و بسترهای موجود منجر به تک‌زیستی دختران مجرد.

۲- استخراج دلایل تمایل به زندگی مجردی از منظر دختران مجرد تک‌زیست به طور خاص.

۳- بازنمایی و ارائه کیفی زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی تک‌زیستی دختران مجرد.

در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از چارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی است که بر مفاهیم و تم‌های عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (ریچی و لویی، ۲۰۰۶؛ مکسول، ۲۰۰۴). لذا در این پژوهش از نظریات مرتبط با موضوع، به عنوان راهنمای نظری جهت تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع مورد مطالعه یا به عبارت دیگر ارتقای حساسیت نظری برای رهنمون کردن اهداف تحقیق استفاده شده است. اما آنچه مسلم است این است که پدیده تک‌زیستی نیز همانند سایر پدیده‌های اجتماعی پدیده‌ای تک‌عاملی نیست و متأثر از عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی است.

گسترش تغییراتی چون نوسازی، صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی و تاثیرپذیری جوامع از فرهنگ‌های متفاوت در پی جهانی‌شدن، الگوهای نظام خانواده را همانند سایر نهادها دچار تغییرات عمده نموده است. ویلیام گود در این خصوص معتقد است تغییرات ملموس اعمال شده در نظام خانواده در نقطه مشترکی با هم تلاقی می‌کنند که یکی از مهم‌ترین آنها افزایش سن ازدواج است. از منظر گود، افزایش سن ازدواج، به ویژه سن ازدواج زنان، ابتدا در کشورهای اروپایی شروع یافت، سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه نیز سرایت کرد. سن ازدواج خود به واسطه عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات، اشتغال زنان و میزان شهرنشینی افزایش یافته، در نتیجه عمومیت و میزان ازدواج

به ویژه در مناطق شهری به طور روزافزون کاهش یافته است (شهرزی، ۱۳۸۶). از دیگر دلایل افزایش سن ازدواج در ایران، شکل‌گیری مضیقه ازدواج در بین دختران تحصیل کرده است. به طور معمول در پی افزایش تحصیلات - به‌ویژه در سطوح عالی - دختران تمایل دارند با مردانی ازدواج نمایند که از نظر تحصیلی بالاتر از خودشان باشند. اما در سال‌های اخیر با پیشی گرفتن تعداد دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر امکان ادامه این روند وجود ندارد و دختران در صورتی که بخواهند با مردانی ازدواج نمایند که از نظر تحصیلی بالاتر از خودشان باشند، دچار مضیقه ازدواج می‌شوند. چنانچه این دختران بخواهند با مردانی ازدواج نمایند که علاوه بر تحصیل از نظر سنی نیز بالاتر باشند، این مسئله تشدید خواهد شد (بلادی موسوی، ۱۳۸۳). لکن براساس نظریه گود، تغییرات به‌وجود آمده در نهاد خانواده و به طور خاص افزایش سن ازدواج می‌تواند از عوامل تبیین‌کننده و اثرگذار در اقدام دختران به تک‌زیستی باشد.

بنا بر نظر پارسونز تحولات فرهنگی اجتماعی به‌وجود آمده در جامعه و به خصوص نهاد خانواده، تغییر در برخی از کارکردها و جنبه‌های حمایتی این نهاد را به دنبال داشته و در برخی موارد منجر به تضعیف برخی از نقش‌های خانواده نیز گردیده است (مهدوی، ۱۳۹۱). درحالی‌که بنا بر موارد ذکر شده دوران مجرد فرزندان با توجه به شرایط به وجود آمده افزایش یافته است و آنها سال‌های بیشتری را در کنار والدین و خانواده مبدأ می‌گذرانند. بنابر نظر گیدنز نیز تغییرات به‌وجود آمده منجر به شکل‌گیری و پدید آمدن رابطه‌ای تحت عنوان « رابطه ناب» در روابط افراد و بالاخص افراد خانواده گردیده است. او معتقد است که شکل‌گیری رابطه‌ی ناب در نهایت موجب از بین رفتن پدرسالاری و آزادی بیشتر زنان در انتخاب شیوه زندگی شده است (آنتونی گیدنز ۱۳۷۹: ۱۸۹).

از سوی دیگر در پی گسترش آزادی و افزایش روابط، هویت شخصی افراد برحسب بازتاب تغییرنهادهای اجتماعی مدرن، مورد تجدید نظرهای مداوم و بازاندیشی قرار می‌گیرد که گیدنز از آن تحت عنوان «بازتابی هویت» یاد می‌کند. به عقیده گیدنز این امر منجر به شکسته شدن ساختار سنتی خانواده و محدودیت‌های آن گشته است. در دنیای امروز، افراد سعی می‌کنند با تلاش و به‌طور فعال، خود و هویت خویش را بسازند. بنابراین می‌توان گفت تشکیل زندگی مستقل برای جوانان تا حدود زیادی می‌تواند نتیجه شکل‌گیری رابطه ناب در خانواده و بازتابی هویت توسط خود افراد باشد که آنها را به سمت انتخاب و شیوه زندگی مد نظر خود هر چند به اجبار رهنمون می‌سازد (آنتونی گیدنز ۱۳۷۹: ۲۱۰).

برخی دیگر از جامعه‌شناسان اعتقاد دارند که تغییرات اجتماعی سریع، فرایند مداوم و آرام انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را دچار مشکل و وقفه نموده و بین دو نسل اختلاف تجربه و فرهنگ ایجاد کرده است. امروزه بسیاری از این پدیده تحت عنوان فاصله نسلی یاد می‌کنند که عامل اختلاف و تعارض بین والدین و فرزندان است. هر چند مفهوم نسل مفهومی مهم است اما تفکیک یک نسل از نسل دیگر، کاری غیرممکن است (پناهی ۱۳۸۰: ۸۴ به نقل از سی کین، ۱۹۹۰، ۲۲). بنابراین براساس مطالعات انجام شده، هرگاه در جامعه دگرگونی‌های سریع، وسیع و مهمی اتفاق بیفتد، سبب می‌شود شرایط رشد و تربیت فرزندان بسیار متفاوت از شرایط نسل قبل، یعنی والدین آنها شود، در نتیجه یک فاصله نسلی به وجود می‌آید و سبب اختلافات مهمی بین دو نسل می‌گردد. بدین لحاظ در جوامعی نظیر ایران که دچار تغییر و تحول می‌شوند شرایط اجتماعی طوری دگرگون می‌شود که دیگر نسل گذشته نمی‌تواند مدل مناسبی برای زندگی نسل بعد باشد. به عبارت دیگر هر یک از دو نسل والدین و فرزندان به ناچار در

دنیای متفاوتی زندگی می‌کنند. در چنین وضعی انتقال فرهنگی از نسل قبل به نسل بعد بسیار ناقص انجام می‌شود و فرهنگ قبل عینا نمی‌تواند ادامه یابد و پاسخگوی نیازهای نسل بعد باشد. در این حالت نسل جدید برای یادگیری سبک زندگی و وضع مناسب حال و آینده خود به اعضای هم‌نسل خود روی می‌آورد و آن را الگوی زندگی خود قرار می‌دهد. این وضعیت تنها با صنعتی شدن اتفاق نمی‌افتد بلکه در شرایط مختلفی مانند مهاجرت روستاییان به شهرها نیز قابل تصور است. به عنوان مثال جوانان با مهاجرت به شهر برای تعیین سبک زندگی خود به شهروندان رومی‌آوردند نه والدین خود (پناهی، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۵). لذا می‌توان گفت شکل‌گیری شکاف نسلی باعث به‌وجود آمدن اصطکاک در روابط خانواده گردیده که عدم توانمندی خانواده در حل این چالش‌ها می‌تواند منجر به جدایی فرزندان از والدین گردد.

به تعبیر دیگر و بنا بر نظر اینگلهارت، ایجاد شکاف بین والدین و فرزندان می‌تواند ناشی از تغییرات ایجاد شده بین ارزش‌های جوانان نسبت به والدین باشد. اینگلهارت معتقد است جوانان امروز به ارزش‌های فرامادی بیشتر از ارزش‌های مادی توجه می‌کنند و برای کسب و حفظ آن تلاش زیادی می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۷۳). حفظ استقلال و عدم وابستگی به دیگران از جمله ارزش‌هایی است که جوانان امروز برای به دست آوردن آن بسیار تلاش می‌کنند. خصوصا در مواردی که افزایش سن ازدواج برای دختران مطرح است این ارزش‌ها اولویت و اهمیت بیشتری می‌یابد.

نظریات ذکر شده از جمله نظریات مهم و مرتبطی است که در بررسی و تبیین زمینه‌های تک‌زیستی دختران در انجام پژوهش حاضر مدنظر محقق بوده است. لازم به ذکر است که پژوهش پیش‌رو قصد دارد با انجام روش کیفی زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی تک‌زیستی دختران را از منظر خودشان استخراج نماید. لذا



نظریه آزمایی به معنای رایج در پژوهش‌های کمی همچون سایر روش‌های کیفی در این پژوهش مد نظر محقق نبوده است.

### روش

رویکرد روش‌شناختی این پژوهش رویکردی کیفی است. تحقیق کیفی درصدد شناسایی آن است که چگونه انسان‌ها خودشان و بسترشان را تنظیم می‌کنند و از چه طریق این بسترهای اجتماعی پیرامون خودشان را از طریق نمادها، مراسم، ساختارهای اجتماعی، نقش‌های اجتماعی و غیره معنادار می‌کنند (برگر، ۲۰۰۶، ۲۲). برای گردآوری داده‌های کیفی پژوهش حاضر از روش‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته استفاده شده است. جامعه آماری این مطالعه نیز عبارتند از: دختران تک‌زیستی که در شهر تهران زندگی می‌کنند. اطلاعات اولیه گردآوری شده نشان داد که دختران تک‌زیست با توجه به موقعیت مالی، اجتماعی و فرهنگی در شرایط مختلف زندگی می‌کنند. بدین معنا که با توجه به شرایط متفاوت برخی از دختران تک‌زیست در خانه و برخی دیگر در پانسیون‌ها ساکن هستند. از سوی دیگر با توجه به گستردگی کلان‌شهر تهران و متفاوت بودن شرایط آن از نظر جغرافیایی دقت شد که نمونه‌های مورد مطالعه از مناطق مختلف انتخاب شوند. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق نیز همانند سایر تحقیقات کیفی از نوع هدفمند بوده و حجم نمونه نیز به سطح اشباع نظری سوال‌های تحقیق بستگی دارد.

اشباع نظری زمانی روی می‌دهد که محقق به این نتیجه برسد که در یک مرحله از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست یافته و دیگر مفاهیم جدیدی ظهور نمی‌یابند (گلاسر، ۱۹۶۷، ۶۱). بر همین اساس، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند با

۳۲ نفر از افراد مدنظر مصاحبه شد که در روش کیفی اصطلاحاً آنها را مطلعین می‌خوانند (محمدپور و رضایی: ۱۳۸۷). در نهایت در این تحقیق از روش تحلیل تماتیک یا موضوعی (تحلیل درون‌مایه) برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده استفاده گردید. این نوع تحلیل یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است. این نوع تحلیل عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقراء تحلیلی که در آن محقق با طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۸۸). در تحقیق حاضر سعی بر آن است که با طی مراحل تحلیلی مذکور، به بررسی منظم داده‌ها پرداخته و در نهایت یک سنخ‌شناسی از دلایل و زمینه‌های تک‌زیستی دختران ترسیم و ارائه گردد.

#### یافته‌ها

سوال اصلی این تحقیق جستجو برای یافتن زمینه‌های اجتماعی فرهنگی تک‌زیستی دختران مجرد است. در راستای این هدف مطالعه حاضر با رویکردی کیفی و به‌وسیله مصاحبه‌های عمیق با دختران مجرد تک‌زیست انجام گرفت. در ادامه به ارائه محورها و مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها می‌پردازیم. این محورها گویای جریان‌ات و مقولات ذهنی و عینی دختران تک‌زیست مورد مصاحبه است. با توجه به رویکرد پژوهش و اهمیتی که این رویکرد برای تفاسیر، دیدگاه‌ها و برداشت‌های مشارکت‌کنندگان قائل است، تلاش بر این است که در این بخش تا حد ممکن و لازم از دیدگاه‌های سوژه‌های تحقیق برای بیان یافته‌ها استفاده شود. لازم به ذکر است نتایج به دست آمده از این پژوهش همانند سایر پژوهش‌های کیفی، قابلیت تعمیم ندارد و بیانگر دیدگاه‌ها و نظریات دختران

تک‌زیست مورد مصاحبه می‌باشد. بدون شک تحقیقات آتی نتایج جدیدی را پیش روی ما قرار خواهد داد.

بخش یافته‌ها از دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول زمینه‌های خانوادگی و در بخش دوم زمینه‌های اجتماعی فرهنگی اقدام به تک‌زیستی مرور می‌شود.

#### ۱- زمینه‌های خانوادگی

##### از بین رفتن خانواده مبدأ فوت والدین

طبق نتایج به دست آمده برخی از دختران تک‌زیست به علت فوت والدین و از بین رفتن خانواده مبدأ به ناچار اقدام به تک‌زیستی نموده‌اند. طبق بررسی انجام شده این تک‌زیستی تحمیلی‌ترین نوع تک‌زیستی در بین دختران است. آنها معتقدند در گذشته، با فوت والدین، فرزندان بازمانده با دیگر اقوام و خویشاوندان خود زندگی می‌کردند، ولیکن در حال حاضر تغییرات ایجاد شده در خانواده اجازه این همزیستی را به آنها نمی‌دهد و آنها احساس می‌کنند حضور آنها در خانواده خویشاوندان نزدیک همچون برادران نیز برای آنها ایجاد مزاحمت و سلب آسایش می‌کند.

لیلی ۲۶ ساله که ۵ ماه بعد از فوت مادر به اجبار تک‌زیست شده است می‌گوید:

پدرم قبلاً فوت شده بود، بعد از فوت مادرم تنها شدم و مجبور شدم تنها زندگی کنم. یک سال اول رو تو خونه پدری تنها زندگی کردم. بعداً چون از تنهایی زجر می‌کشیدم اومدم خوابگاه، ولی اینجا دیگه خیلی تنها نیستم. خواهر و برادرهای ازدواج کرده‌ام همه من رو تنها گذاشتن...

مونا یکی دیگر از دختران تک‌زیست در این زمینه می‌گوید:

من آگه پدر یا مادرم یکیشون هم زنده بودند محال بود تا آخر عمرم از آنها جدا بشم. نمی دونم شاید چون این شرایط به من تحمیل شده این طوری فکر می کنم... من بچه آخر بودم و فاصله سنی ام با پدر و مادرم زیاد بود و اسه همین این شانس رو نداشتم تا آنها زنده هستن برم سر زندگیم و زود تنها شدم... خواهر و برادرهامم درگیر زندگی خودشون هستند و واقعا دیگه نمی تونن درگیر منم بشن... .

لذا می توان گفت از دست دادن والدین، تک‌زیستی است که در آن به هیچ عنوان اختیار نقشی ندارد. نکته حائز اهمیت در گفتار این دختران عدم توجه و تعهد سایر اعضای خانواده نسبت به آنها است.

### گسست خانواده

از دیگر مواردی که منجر به تک‌زیستی دختران می گردد، گسست خانواده مبدأ بر اثر فوت یکی از زوجین یا طلاق است. در چنین شرایطی ازدواج مجدد والدین به خصوص مادر در شرایطی خاص برای فرزندان جوان مشکلاتی ایجاد نموده که در نهایت منجر به جدایی آنها از والدین می شود. به نظر این دسته از دختران تک‌زیست زندگی در کنار ناپدیری و نداشتن احساس امنیت دلیل اصلی تک‌زیستی آنهاست. از نظر آنها تحمل دوری از مادر و سایر اعضای خانواده و به دوش کشیدن بار زندگی بهتر از زندگی کردن در این شرایط است.

مریم در این زمینه معتقد است که:

برای پسرها سخت نیست که با نامادری زندگی کنن ولی یه دختر نمی تونه با ناپدیری توی یه خونه زندگی کنه. مگه می شه به یک مرد غریبه اعتماد کرد ... به نظر من مادرها هم خودخواه شدند و فقط به فکر خودشونند....

بنا بر گفته این دسته از دختران تک‌زیست دلیل جدایی آنان از خانواده نداشتن حس اعتماد و امنیت در خانواده می باشد.

### ناکارآمد بودن خانواده مبدأ

ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان یکی از مراحل تکامل زندگی از اهمیت خاصی برخوردار است. به طور طبیعی همه افراد توقع دارند در یک سنین و شرایط خاص ازدواج کنند و برای خود زندگی مستقلی تشکیل دهند. بر این اساس زمانی که ازدواج به تعویق می‌افتد مشکلات زیادی برای جوانان و خانواده ایجاد می‌شود. محرومیت از ازدواج و فراهم نبودن شرایط مناسب برای ازدواج جوانان، با گذر زمان و طولانی شدن دوران مجرد فرزندان، ممکن است خانواده را در نوع رفتار و ارتباطات خود با جوانان دچار چالش نماید. بنابراین با به تعویق افتادن این امر و مرحله مهم از زندگی، چگونگی ارتباط بین والدین و فرزندان اهمیت زیادی می‌یابد.

یافته‌های به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد متأسفانه در شرایط کنونی، والدین و خانواده‌ها در این زمینه آگاهی و توانمندی لازم را ندارند. لذا دخترانی که به سن ازدواج رسیده و ازدواج نکرده‌اند در مواردی جدای از تحمل مشکلات و فشارهای ناشی از این موضوع، با رفتارهای نامناسب و دلسوزانه والدین نیز روبه‌رو می‌شوند. به طوری که در برخی موارد این دلسوزی‌ها و عدم برخورد صحیح والدین به سرزنش آنها و در نهایت منجر به اختلاف در خانواده و جدایی دختران از خانواده می‌گردد.

لیلا ۳۰ ساله و پرستار در این خصوص بیان می‌کند:

من خانواده خوبی دارم و از نظر عاطفی به هم وابسته‌ایم. اما به نظر من پدر و مادرها هنوز با تغییرات امروز جامعه عجیب نشدند. مادر من خیلی برایش سخته که من ۳۰ سالمه و هنوز ازدواج نکردم... دلسوزی‌هاشون بدون اینکه خودشون بدونند... به تیکه انداختن تبدیل می‌شه... وقتی یک دختر

تو در و همسایه شوهر می‌کنه دیگه بدتر. خوب همین موضوع مدام باعث بحث و جدله. به قدری که احساس می‌کردم آرامش اونها رو هم ازشون گرفتم. مدام دعوا، سرکوفت...

مطالب فوق این نکته را آشکار می‌کند که عدم شناخت و درک خانواده نسبت به بالا رفتن سن ازدواج دختران و وارد کردن فشار مضاعف به آنها، باعث گردیده دختران جوان به اجبار به تک‌زیستی و جدا شدن از خانواده روی بیاورند.

### فرار از ازدواج اجباری

طبق اظهار برخی از دختران تک‌زیست یکی از دلایل مهم بالا رفتن سن ازدواج دختران در شرایط فعلی نیافتن همسر مناسب است. از نظر آنها بیشتر دختران تحصیل کرده حاضر نیستند علی‌رغم میل باطنی خود به ازدواج تن دهند و امکان شکست در یک ازدواج نامناسب و پیامدهای ناشی از آن را منفی‌تر از شرایط فعلی خود ارزیابی می‌کنند. به همین جهت برخی از دختران تک‌زیست در شرایطی که با تحمیل خانواده برای ازدواج روبه‌رو شده‌اند اقدام به تک‌زیستی نموده‌اند.

مریم ۲۹ ساله کارشناس رشته کامپیوتر که ۲ سال است تنها زندگی می‌کند در این زمینه می‌گوید:

... من تو شهر خودم امکان ازدواج مناسب رو نداشتم. یعنی آدمی که به درد من بخوره کم پیدا می‌شه... ضمن اینکه شرایط فرهنگی شهرهای کوچیک طوری است که اصلا پذیرش ازدواج نکردن برای دختری تو سن و سال من وجود نداره. واسه همین آگه پیش پدر و مادرم می‌موندم به زور می‌خواستن شوهرم بدن.....چند بار چنین وضعیتی پیش اومد و باعث مشکلات زیادی واسه من شد. بابای من سر این موضوع هنوز با من قهره... آگه جلوی چشمشون بودم تا حالا به زور شوهرم داده بودن...

مینو ۲۹ ساله که از روستا به تهران آمده و مستقل از خانواده زندگی می‌کند در این زمینه می‌گوید:

..... خانواده من خیلی خوب هستند اما با همه این خوبی از من توقع داشتند علی‌رغم میلیم با کسی که اونها می‌خوان ازدواج کنم ..... واسه همینم دیگه واقعا داشتن منو مجبور به ازدواج می‌کردند. به هر

حال هر آدمی به طاقتی داره برای همین من به زور و با هزار بدبختی ازشون جدا شدم. ازشون که دوری کم کم یادشون میره. آخه ازدواج زورکی معلومه عاقبت خوشی نداره...

### رهایی از مشکلات خانواده گسترده

برخی از دختران مشکلات ناشی از حضور در یک خانواده گسترده را زمینه‌ساز تک‌زیستی خود می‌دانند. به نظر این دسته از دختران تک‌زیست، حضور در خانواده‌ای پرجمعیت که تمام اعضای خانواده ازدواج کرده و زندگی مستقل تشکیل داده‌اند، زندگی را برای فرد مجرد خانواده با سختی همراه می‌کند. آنها معتقدند در شرایطی که تمام اعضای خانواده ازدواج کرده‌اند، حضور در جمع خانواده برای یک دختر مجرد در برخی موارد غیرقابل تحمل است. در موقعیت‌های مختلف که اعضای خانواده کنار هم جمع می‌شوند در جمع آنان احساس تنهایی نموده و به بیان آنها به گونه‌ای مزوی می‌گردند و به مرور زمان، حضور در جمع اعضای متأهل خانواده برای آنها سخت می‌شود. نکته قابل توجه در این زمینه هنگامی است که اعضای کوچک‌تر خانواده همچون خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها ازدواج کرده باشند. آن دسته از سوژه‌های تحقیق که در این موقعیت قرار داشتند به مراتب شرایط خود را خیلی سخت‌تر و غیرقابل تحمل‌تر ارزیابی می‌کردند و بیشتر آنها فرزند آخر خانواده بودند. همچنین آنها حضور مستمر خواهران و برادران ازدواج کرده به همراه خانواده را در خانه پدری و توقعات زیاد آنها، از دیگر عوامل زمینه‌ساز تک‌زیستی اجباری خود می‌دانند. از نظر آنها شاید در نظر اول طرح این موضوع برای روی آوردن به تک‌زیستی دلیل منطقی نباشد، اما تجربه این دختران نشان می‌دهد که امتداد این زندگی باعث از بین رفتن تمامی برنامه‌های آنها شده است. به گونه‌ای که اعتراض به این شرایط باعث تیره شدن روابط آنها با والدینشان گردیده به مرور زمان این موضوع به اختلاف شدید بین آنها تبدیل شده است. این نکته قابل ذکر است که در خانواده‌هایی که فرزندان متأهل آنها با والدین در یک خانه زندگی می‌کنند این مشکل تشدید می‌شود.

یکی از دختران تک‌زیست در این زمینه می‌گوید:

مهم‌ترین دلیل من این بود که من تو خونه‌ای زندگی می‌کردم که داداشم با خانوادش با ما تو یه خونه زندگی می‌کردن. حتی هنوزم که ۲ تا بچه دارن... یه جورایی آدم تو چنین خونه ای احساس زیادی بودن می‌کنه. مخصوصاً وقتی سن آدم می‌ره بالا. من خودم وقتی ۲۷ سالم شد از خانواده‌ام جدا شدم. احساس می‌کردم اضافه‌ام. از طرف دیگه هم تمام مسئولیت کارهای خونه رو دوش من بود مخصوصاً که من ۴ تا خواهر ازدواج کرده هم دارم. مدام درگیر درخواست‌های آنها بودم خوب آدم خسته می‌شه ...

الهام ۲۶ سال سن دارد و کارشناسی ارشد الهیات می‌باشد از معتقد است:

.... کمک کردن به خواهر و برادر وظیفه است ولی تا کجا و چقدر؟ پدر و مادرها هر کاری واسه اون‌ها می‌کنی بازم توقع بیشتری دارند و می‌گن هر کاری واسه اون‌ها بکنیم کمه. این انصافه؟ جالب اینه که ما تو خوشی‌ها، مسافرت‌ها همه با هم بودن‌ها تو جمع اون‌ها خیلی تنهایییم و این برای دختری که سنش بالا رفته و ازدواج نکرده خیلی سخته. الان دیگه چون زیاد تو جمعشون نیستم کم‌تر اذیت می‌شم....

موارد اشاره شده و نگاهی به تجربه زیستن این دختران نشان می‌دهد آنها برای رسیدن به اهداف خود نیاز به زمان و موقعیت مناسب در خانواده دارند. در حالی که والدین و سایر اعضای خانواده خواسته‌های خود را در اولویت قرار داده و با تحمیل فشار و توقع زیاد از آنها فرصت مناسبی برای رسیدن آنها به اهداف و خواسته‌هایشان باقی نمی‌گذارند. نکته قابل توجه این است که با توجه به تمام خدمات ارائه شده توسط این دختران در خانواده، آنها در کنار اعضای خانواده احساس تنهایی می‌کنند و اعتقاد دارند هیچ وقت در تصمیم‌گیری‌های خانواده دیده نمی‌شوند. لازم به ذکر است که در میان دختران پاسخگو بیشترین دختران تک‌زیست را دخترانی تشکیل می‌دادند که فرزند آخر خانواده بودند.

### فرار از خانواده نابسامان

سوژه‌های پژوهش ما بدون اغراق همگی به این نکته اذعان کردند که وجود اختلاف و تنش در خانواده یکی از زمینه‌های مهم مستقل شدن دختران می‌باشد. وجود تنش در خانواده در دو بعد مورد بررسی قرار گرفت. در برخی از خانواده‌ها این اختلافات و مشکلات از ابتدا بین والدین وجود داشته و با گذر زمان و ورود فرزندان و اختلاف نظر در تربیت آنها پررنگ‌تر شده



است تاجایی که آنها از دوران کودکی محیط ناآرامی را در خانواده تجربه کرده و امید داشتند با یک ازدواج زود هنگام از این شرایط رهایی یابند، متأسفانه به دلیل بالا رفتن سن ازدواج این زندگی هم چنان تداوم داشته و آنها نیز مجبور به تحمل این شرایط می‌باشند.

دسته دوم خانواده‌هایی هستند که مشکلات و اختلاف نظرشان با جوانان و شیوه زندگی آنان است. بدین معنا که والدین بعد از بزرگ شدن فرزندان و عدم پذیرش شیوه زندگی آنها، دچار مشکل و اختلاف نظر در خانواده شده‌اند. بیشتر دختران تک‌زیست پاسخگو، اعتقاد داشتند که والدینشان، آنها را درک نمی‌کنند و در تمامی امور و تصمیم‌گیری‌های آنها دخالت می‌کنند و به جای آن که به آنان در جهت تصمیماتشان کمک کنند، سدی بزرگ در راه آنها می‌باشند. از نظر آنها والدینشان موقعیت، آرزوها و اهداف آنان را درک نمی‌کنند و از آنها توقع دارند به شکلی زندگی کنند که خودشان زندگی کرده‌اند. آنها اشاره کردند که از طرز پوشش، خوراک، تعامل با دوستان و خویشاوندان تا امور مهم‌تری نظیر انتخاب همسر و انتخاب شغل با والدینشان مشکل دارند. از نظر آنها این مسائل و اختلافات شاید در نگاه اول تاحدودی طبیعی و قابل توجیه باشد، اما با گذشت زمان مشکلات ساده به مرور باعث شکل‌گیری تنش و اختلاف می‌گردد و در برخی از موارد به خشونت‌های شدید بین آنها و سایر اعضای خانواده منجر می‌شود. به همین لحاظ بنا به عقیده آنها تنها زندگی کردن و تحمل این شرایط به نسبت بهتر از گسترش عمیق اختلافات آنها با خانواده و نداشتن آرامش در زندگی می‌باشد.

عسل ۲۶ ساله در مورد تنش با خانواده می‌گوید:

پدر و مادرها ما رو اصلا نمی‌فهمند. ما تو همه چی باهاشون مشکل داریم. یه زمان منو مجبور کردن برم درس بخونم تا از دخترهای فامیل عقب نمونم. حالا دم به دقیقه به من گیر می‌دن که رفتی دانشگاه خراب شدی. این ور نو. این کارو نکن. الانم که شوهر نکردنمون شده یه دردسر جدید... همه اینها باعث شده من و پدر و مادرم نتونیم یه ساعت با هم دوام بیاریم. فکر کنید از غذا خوردن و تلویزیون دیدن تا نماز خوندن و مباحث مذهبی و ارزشمدم دارن با من دعوا می‌کنند ...

با توجه به نکات مطرح شده توسط این دختران می‌توان گفت تغییرات به‌وجود آمده در دنیای آنها نظیر افزایش امکان ادامه تحصیل، آزادی در رفت و آمد،

آزادی در انتخاب همسر، افزایش مشارکت اجتماعی، اشتغال، استقلال اقتصادی، آزادی بیشتر در تصمیم‌گیری و مواردی نظیر این، نگاه و دیدگاه آنان را نسبت به زندگی تغییر داده است. در پی این تغییرات اعضای خانواده دچار مشکل و اختلاف شده‌اند. البته نکته مهم‌تر در این خصوص وجود اختلافات قبلی در خانواده و مشاجرات والدین نیز می‌باشد که با بزرگ شدن فرزندان پررنگ‌تر می‌شود.

#### تغییر، تقلیل در کارکردهای خانواده

دختران جوان معتقدند که در حال حاضر خانواده نمی‌تواند بسیاری از خواسته‌های آنان را اعم از مادی و غیرمادی تأمین کند به همین دلیل، آنها به اجبار به تک‌زیستی روی آورده‌اند. عدم تأمین نیازهای مادی دختران، عدم وجود امکان پیشرفت در خانواده، ناتوانی خانواده در حمایت از دختران مجرد، عدم اعتماد خانواده به آنها، عدم دخالت جوانان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های آتی خانواده، عدم شناخت خانواده از نیازهای جوان امروزی و زمینه‌سازی برای تأمین از جمله مواردی است که دختران تک‌زیست به آن اشاره نموده‌اند. از منظر آنها امروز خانواده خوب خانواده‌ای است که نیازها، خواسته‌ها و احساسات جوانان را به خوبی شناخته و در راستای تأمین آنها اقدام نماید. در صورتی که با توجه به تغییرات به‌وجود آمده و تغییر نگرش و شیوه زندگی جوانان، خانواده هنوز نتوانسته خود را با این تغییرات و خواسته‌ها هماهنگ کند. علت این موضوع نیز از منظر دختران طولانی شدن دوران مجرد آنها است.

بحران عاطفی یکی دیگر از پیامدهای تغییر در خانواده امروزی می‌باشد. طبق اظهارات دختران جوان، والدین امروزی بنا به دلایل زیادی نظیر اشتغال، کم‌تر در

خانه حضور دارند و زمانی هم که در خانه هستند بیشتر مشغول انجام امورات مربوط به خانه می‌شوند. این کم‌رنگ بودن حضور والدین در منزل باعث شده تا وقت بیشتر فرزندان در طول روز با دوستان و همسالان خود سپری شود. به نوعی آنها مطرح می‌کردند که در خانواده امروزی همبستگی و همدلی گذشته بسیار کاهش یافته است. از نظر آنها وقتی امکان حضور فیزیکی افراد در خانواده در کنار هم اتفاقی نادر است دل‌سردی و کم شدن ارتباط عاطفی در خانواده امری بعید نیست. از نظر آنها در چنین خانواده‌هایی شاید هیچ نوع تنش و اختلافی وجود نداشته باشد ولی اعضای خانواده هیچ ارتباط عاطفی با هم نداشته و در بین آنها وابستگی عاطفی و همدلی وجود ندارد. هر یک از اعضای خانواده در حل مشکلات و مسائل احتمالی که برای آنها پیش می‌آید به خود اتکا می‌کند. لذا به طور معمول این افراد اتکای بیشتری به دوستان و همسالان خود دارند. سوژه‌های پژوهش بر این باورند که با بالا رفتن سن این کمبود محبت و عاطفه در خانواده در زندگی آنها مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند. به همین لحاظ آنها با اقدام به تک‌زیستی می‌توانند رفت و آمد و اتکا بیشتری به دوستان خود داشته باشند که آنها را بیشتر درک می‌کنند و تقریباً در همه شرایط با آنها همراه می‌باشند.

مهسا که تجربه ۲ سال زندگی مستقل از خانواده را دارد در این خصوص می‌گوید:

..... خانواده‌ام خوبین. نه با هم مشکل داریم نه به هم وابستگی. واسه همین هر کس هر جور که دوست داره زندگی می‌کنه. مثلاً من دل‌تنگی واسه خانواده رو خیلی نمی‌فهمم. فقط برام مهمه که همیشه سالم باشن وگرنه من اینجا پشتم به دوستان بیشتر از خانوادم گرمه... .

لیلا که از سال ۸۷ از خانواده جدا و تک‌زیست شده معتقد است :

ما تو خانواده‌مون از لحاظ مکانی اصلا وابسته نیستیم، ولی از لحاظ قلبی وابسته هستیم. خیلی برام مهم نیست که زود به زود ببینمشون. چون اون موقع هم که تو خونه بودم همین طوری بود. ما خیلی با هم در ارتباط نبودیم. ... تو مشکلات، من معمولا اصلا خانواده‌ام رو در جریان نمی‌گذاشتم و بیشتر به دوستانم متکی بودم. تو یه جمله بهتون بگم ما خیلی با هم روابط احساسی نداشتیم. الان که من سنم رفته بالا و حساس‌تر شدم این موضوع اذیتم می‌کنه. وابستگی عاطفیم به دوستانم بیشتر از خانواده‌مه... .

با بررسی نظرات برخی از دختران تک‌زیست می‌توان گفت که نبود روابط عاطفی عمیق در خانواده‌ها از موارد مهمی است که زمینه‌ساز این شیوه از زندگی در بین دختران شده است. طبق نظر آنها با بالا رفتن سن ازدواج و شکل‌گیری خلأ عاطفی، نداشتن یک خانواده دلسوز خود را بیشتر نشان می‌دهد. نداشتن حمایت عاطفی از سوی خانواده در سنین جوانی باعث می‌شود آنها به راحتی از خانواده جدا شده و به امید ساختن زندگی بهتر در مسیری نامعلوم قرار گیرند. نکته حائز اهمیت در مورد این دسته از دختران تهدیدها و خطراتی است که به علت نداشتن پشتوانه و حمایت عاطفی در زندگی آنها ممکن است برایشان پیش بیاید. با توجه به پیامدهایی که دختران تک‌زیست با داشتن این نوع زندگی ابراز کردند که آسیب به این دختران بیش از سایر دختران تک‌زیست است. تا جایی که می‌توان گفت بازگشت به زندگی طبیعی برای این دختران از نظر خودشان امری دور از ذهن و تا حدودی محال می‌باشد.

## ۲- زمینه‌های اجتماعی فرهنگی

### تجرد ناخواسته، تک‌زیستی و فرار از فشارهای اجتماعی

طبق این پژوهش، در حال حاضر بیشترین درصد دختران تک‌زیست تهران را دختران مهاجر تشکیل می‌دهند. بیشتر دختران تک‌زیست پاسخگو بر این عقیده

هستند که مهم‌ترین عامل افزایش تک‌زیستی مشکلات پیش آمده در خصوص ازدواج دختران و بالا رفتن سن ازدواج ناخواسته در بین آنان است. بدین معنا که بستر و شرایط مناسب ازدواج در جامعه برای آنها فراهم نیست. از سوی دیگر مردم نسبت به این مجرد ناخواسته آگاهی ندارند و نمی‌توانند در این مورد با دختران همدلی کنند. عدم درک شرایط به وجود آمده از سوی افراد جامعه سبب شده که مردم نسبت به این دختران نگاه منفی داشته و آنان را به خاطر ازدواج نکردن زیر سوال ببرند. نکته مهمی که در این مورد از سوی برخی از سوژه‌های تحقیق مورد تأکید قرار گرفت نگاه بد جامعه به مجرد دختران است. آنها معتقدند در حال حاضر سن ازدواج هم برای پسران و هم برای دختران بالا رفته است، ولی این موضوع فقط برای دختران مذموم است و آنها تحت فشار شدید و آنها زیر نگاه سنگین جامعه قرار دارند. در حالی که انتخاب همسر مناسب برای پسران نسبت به دختران آسان‌تر است.

یکی از دختران تک‌زیست در این زمینه می‌گوید:

متأسفانه در جامعه ما دید بسیار بدی نسبت به دخترانی که سن آنها بالا رفته و ازدواج نکردند وجود دارد. نگاهی، که هم تو این نگاه ترحمه و هم ترس. الان من خودم جایگاهی دارم که گذشته از مسائل عاطفی، ازدواج نکردنم، برام سختی دیگه‌ای نداره ولی تو شهرای کوچک مثل شهر من ... و البته روستا که دیگه بدتر از اونه همه بادید بدی به دخترهایی مثل من نگاه می‌کنند. هر وقت تو هر جمعی من رفتم نشد همه نگویند آخی تو هنوز ازدواج نکردی.... بعضی از زنها هم که ماها رو واسه زندگیشون تهدید می‌دونن....

مواردی از این قبیل نشان می‌دهد که در حال حاضر بسیاری از دختران به دلایل زیادی از قبیل ادامه تحصیل موفق به ازدواج نشده و بعد از آن نیز به علت نیافتن همسر مناسب و هم‌کفو مجرد مانده‌اند. این درحالی است که اهمیت

ازدواج به موقع در بسیاری از شهرستان‌ها هنوز مورد تاکید مردم است و بسیاری از جوانان از این منظر مورد قضاوت قرار می‌گیرند. فشار اجتماعی و قضاوت مردم جامعه به خصوص در شهرهای کوچک به گونه‌ای است که دختران جوان و تحصیل کرده را مجبور به مهاجرت به شهر تهران و فرار ناشی از این هنجارها نموده است. به عقیده بسیاری از دختران تک‌زیست فشار اجتماعی و قضاوت‌های نادرست جامعه آن قدر قوی و موثر است که در گذر زمان آنها را مجبور به ترک خانواده و تحمل تنهایی در قبال از بین رفتن این سختی‌ها نموده است.

#### تک‌زیستی زمینه‌ساز ازدواج مناسب

بیشتر دختران تک‌زیست پاسخگو بر این عقیده‌اند که افزایش سن ازدواج آنها از مهم‌ترین دلایل روی آوردن اجباری آنها به زندگی تک‌زیستی است. از سوی دیگر نکته قابل توجه این است که بیشتر دخترانی که از سایر شهرها به تهران مهاجرت کرده و تک‌زیست شده‌اند یکی از زمینه‌های اصلی گسترش این زندگی در بین دختران را افزایش شانس ازدواج در تهران می‌دانند. بیشتر دختران تک‌زیست شهرستانی معتقد هستند که زندگی در تهران زمینه‌های بیشتری را برای ازدواج آنان فراهم می‌کند. آنها بر این عقیده‌اند که رفت و آمد در تهران و عضو شدن در گروه‌های مختلف، رفتن به کلاس‌های متفاوت و مواردی از این قبیل امکان آشنایی آنها را با پسران مناسب را بیشتر فراهم می‌کند. به عقیده آنها در حال حاضر بسیاری از پسران موفق برای رسیدن به امکانات بیشتر یا اشتغال به تهران مهاجرت کرده‌اند بنابراین حضور آنها در تهران می‌تواند زمینه‌ساز آشنایی و در نهایت یک ازدواج موفق برایشان شود.

مهوش که ۳ سال است بعد از اتمام تحصیلات در تهران به طور مستقل زندگی می‌کند، می‌گوید:

برای من و امثال من که از روستا یا شهرهای کوچک آمدیم به تهران، یکی از دلایل اصلی، پیش آمدن شرایط ازدواجه مناسبه... من وقتی تو شهر خودم بودم چند تا از دوستانم که زودتر از من آمده بودن تهران با پسرهای خوبی ازدواج کردند که البته هر دوی پسرها هم مثل ما شهرستانی بودند. اما ازدواج کردند و تو تهران موندند. به خاطر همین نمی‌شه انکار کرد، وسوسه ازدواج و زندگی در شهر بزرگ تو گرفتن این تصمیم خیلی موثره... .

مریم ۲۷ ساله که ۵ سال است مستقل از خانواده زندگی می‌کند در این خصوص می‌گوید:

من فکر می‌کردم مردهای عاقل می‌رن دنبال دخترای با شهامت. وقتی یه دختر می‌تونه تنها گلیم خودش رو از آب بکشه بیرون مطمئنا مورد بهتری برای ازدواجه. در واقع یکی از دلایلی هم که آدم تهران همین بود و فکر می‌کردم این طوری بیشتر دیده میشم. ولی این که چرا هنوز شوهر نکردم بیشترش به خانواده پسرها برمی‌گرده. متأسفانه اونها مثل پسرانشون فکر نمی‌کنن... .

گفته‌های فوق این نکته را آشکار می‌کند که امروزه علی‌رغم تمامی تغییراتی که در شرایط دختران به وجود آمده، اما آنها برای زندگی خانوادگی و ازدواج ارزش ویژه و خاصی قائل هستند و بالا رفتن سن ازدواج دختران متأثر از عواملی است که خارج از اختیار آنها می‌باشد. بنابراین دختران جوان به امید فراهم شدن زمینه و بستر ازدواج به ناچار اقدام به مهاجرت نموده و به سمت کلان‌شهری نظیر تهران روی می‌آورند. با توجه به نتایج به دست آمده این پژوهش، وجود عوامل دخیل دیگر شانس ازدواج آنان را کاهش می‌دهد .

#### مهاجرت تحصیلی، زمینه‌ساز تک‌زیستی دختران

یکی از شاخصه‌های مهم توسعه و مدرنیته، افزایش سواد و تحصیلات می‌باشد (شکوری و ارمکی، ۱۳۸۱). زیرا گسترش سواد و افزایش تعداد افراد باسواد می‌تواند به ابزاری برای رسیدن به اهداف ارزشمندتر جامعه تبدیل شود، بر همین

اساس افزایش تعداد افراد باسواد یا تحصیل کرده در یک جامعه می‌تواند یکی از شاخصه‌های توسعه و پیشرفت باشد. در ایران نیز طی سال‌های اخیر بسیاری از جوانان جهت پیشرفت و رسیدن به اهداف خود اقدام به ادامه تحصیل در دانشگاه تا مقاطع تحصیلات تکمیلی نموده‌اند. در این میان طبق آمارهای ارائه شده میزان گرایش و علاقه دختران در این مسیر بیشتر از پسران می‌باشد به طوری که در سال‌های اخیر بخش عظیمی از ورودی دانشگاه‌ها را دختران تشکیل می‌دهند. در پی این افزایش به دلیل تفاوت علایق افراد در مورد رشته‌های تحصیلی و اینکه دانشگاه‌ها ظرفیت همه رشته‌های تحصیلی را ندارند و نیز اختلاف فاحش دانشگاه‌ها در داشتن رشته‌های تحصیلی و پذیرش دانشجو و بسیاری از سیاست‌های دیگر در گزینش دانشجو، فاصله جغرافیایی زیادی بین زیستگاه دانشجو و محل تحصیل وی ایجاد شده است و همین موضوع بریا بسیاری از دختران باعث تجربه اقامت در شهر تهران شده است. طبق تجربه بسیاری از دختران تک‌زیست یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و از سوی دیگر موافقت خانواده‌ها با تک‌زیستی دختران، تجربه اقامتی و موقت آنها برای ادامه تحصیل در تهران می‌باشد. گذران دوران دانشجویی و زندگی در شهر تهران با وجود امکانات آموزشی، فرهنگی، تفریحی از یک سو و از سوی دیگر تجربه آزادی و استقلال بیشتر در تمام ابعاد زندگی همراه با گمنامی در این شهر از جمله مواردی است که بعد از اتمام تحصیلات منجر به مهاجرت آنان به شهر تهران و زندگی مستقل گردیده است.

ستاره که ۳ سال تجربه تک‌زیستی در شهر تهران را دارد در این خصوص

می‌گوید:



من وقتی در یکی از دانشگاه‌های تهران قبول شدم خیلی ناراحت شدم چون خودم شیراز زندگی می‌کردم که به هر حال جزو شهرهای بزرگه و امکانات خوبی هم داره. اما بعد از این که دوره کارشناسیم تمام شد تمام تلاشم رو کردم حتی اگه شده دانشگاه آزاد با تمام هزینه‌هاش قبول شم که تو تهران بمونم. به قول بچه‌ها آب تهران نمک‌گیره.... اینجا واسه دختر تحصیل کرده‌ای که ازدواج نکرده خیلی بهتره. همین درس خوندم تو تهران باعث شد خانوادم اجازه بدن بیام تهران. چون اولین بار واسه درسم مقاومت کردن ولی الان نه...

لذا می‌توان گفت تجربه زندگی در تهران و وجود شرایط فرهنگی متفاوت آن نسبت به شهرستان‌های دیگر باعث شده که، دختران جوان بعد از تجربه کوتاه مدت زندگی در تهران تمایلی نسبت به بازگشت به شهر خود نداشته باشند. از نظر آنها قبل از اینکه در تهران زندگی کنند نسبت به مزایا و جذابیت‌های زندگی در تهران تجربه نداشتند و با این سبک زندگی فقط از طریق رسانه‌ها آشنا می‌شدند. لیکن بعد از زندگی در تهران و آزادی بدون کنترل والدین، آزادی در پوشش، آزادی در برقراری روابط با جنس مخالف، آزادی در معاشرت با دوستان، رفت و آمد در هر زمان و ساعت و مواردی نظیر این در کنار گمنام بودن در شهر تهران، فارغ از تمام فشارهای هنجار موجود در جامعه خودی، این دختران را به زندگی در تهران ترغیب می‌کند.

از سوی دیگر خانواده‌ها نیز بعد از اقامت موقت دختران در سایر شهرها برای ادامه تحصیل، حساسیتشان نسبت به دوری آنها از خانواده کاهش می‌یابد و همین امر سبب می‌شود با تک‌زیستی دختران موافقت نمایند. لذا بیشتر دختران تک‌زیست پاسخگو مهاجر به این امر اذعان کردند که در صورت نداشتن سابقه مهاجرت تحصیلی نمی‌توانستند به راحتی خانواده را جهت داشتن زندگی مستقل و تک‌زیست شدن متقاعد نمایند. البته این موضوع توسط دختران تهرانی

تکزیست پاسخگو هم مطرح گردید. آنها نیز سابقه مهاجرت تحصیلی خود در سایر شهرها را در اقدام به تکزیستی خود موثر می‌دانند.

### تکزیستی متأثر از گروه همسالان

همه تمامی افراد در هر سنی که باشند به نوعی به بررسی وضعیت و ارزیابی زندگی خود نسبت به گروه مرجع یا همسالان خود مبادرت می‌کنند. بر این اساس تصمیم‌گیری در مورد زندگی فرد همواره از این ارزیابی متأثر می‌شود. دختران تکزیست نیز بر این عقیده‌اند که یکی از علت‌های اساسی گرایش آنها به این نوع زندگی بررسی وضعیت به ظاهر موفق سایر دوستان تکزیست خود می‌باشد. آنها بیان می‌کنند که دیدن موفقیت‌ها و اثرپذیری از شیوه زندگی آنها در تصمیم‌گیری و از بین رفتن ترس آنها برای اجرایی کردن تصمیم خود برای مستقل شدن از خانواده نقش مهمی داشته است.

عسل در مورد تاثیر پذیری از زندگی همسالانش می‌گوید:

..... من چند تا دوست داشتم که از خانواده جدا شده واسه همین هم خیلی از روزها و شب‌های هفته رو خونه اون‌ها می‌گذروندم. حسودیم می‌شد به زندگیشون. همیشه با هم بودن خوش بودن... هیچ خبری از گیر دادن‌های خانواده هم نبود. دروغ نیست اگه بگم نسبت به زندگیشون و آرامششون احساس حسادت داشتم. اما الان که خودم درگیر این زندگی هستم، فهمیدم که این فقط یک روی قضیه است. سختی‌های این زندگی پوست می‌کنه و اون‌ها خودشون رو با این خوشی‌ها واسه ادامه زندگی بیمه می‌کردن...

لذا می‌توان گفت ارزیابی دختران مجرد از زندگی به ظاهر موفق دختران تکزیست و قضاوت بدون تحقیق آنها در خصوص این زندگی و شرایط آن از عوامل مهم و زمینه‌ساز برای مستقل شدن آنها از خانواده می‌باشد. نکته حائز اهمیت در این خصوص ذکر این مطلب است که تمامی دخترانی که اقدام به تکزیستی نموده‌اند قبلاً یکی از دوستان نزدیکشان تجربه این زندگی را داشته و

همین امر باعث شده آنها بر روی تمام تردیدهای خود پا گذاشته و در نهایت بر ترس از تنهایی غلبه نموده و اقدام به تک‌زیستی نمایند. این در حالی است که بعد از تجربه این زندگی آنها به این نتیجه رسیده‌اند که ارزیابی آنها درست نبوده و بسیاری از ابعاد مهم این زندگی را مورد بررسی قرار نداده‌اند و بعد از گذشت مدتی کوتاه از این زندگی از تصمیم خود پشیمان شده‌اند که در ادامه به بیان این موارد پرداخته خواهد شد.

### زمینه‌های نامساعد اقتصادی و اشتغال

در هر جامعه‌ای یکی از عوامل مهم و اثرگذار در افزایش تقاضای برای اشتغال، افزایش تحصیلات می‌باشد. بدین معنا که تمامی افراد جامعه اعم از زن و مرد بعد از صرف سال‌های زیاد برای تحصیل و تحمل مشکلات و سختی‌های این مسیر تمایل دارند با یافتن یک شغل مناسب، را از زحمات خود بیشترین بهره ببرند. البته انگیزه افراد در این تمایل متفاوت است. برخی از افراد اهمیت مالی اشتغال و کسب درآمد برایشان اهمیت فوق‌العاده دارد. این دسته از دختران می‌گویند که شرایط مالی خانواده آنها طوری است که حتی کفاف نیازهای اولیه آنها را نمی‌دهد. از سوی دیگر تجربه زندگی در شهر تهران، علاقه به کلاس‌های آموزشی، نیاز به گذران اوقات فراغت با همسالان و مواردی از این دست توقع مالی آنها را از خانواده افزایش داده است و چون خانواده‌ها نمی‌توانند این امکانات را فراهم کنند، آنها برای یافتن کار و درآمد به تهران می‌آیند.

الهام ۲۵ ساله در این زمینه می‌گوید:

من فقط برای کار از خانوادم جدا شدم. بابای من وضعش اون قدر خوب نیست که بتونه همه خواسته‌های ما رو حتی تا حدودیش رو برآورده کنه. البته الان من خودم به نسبت بقیه خواهرهام که تو شهر خودمون درس خوندم خیلی خرجم بیشتره. از لباس گرفته تا رفتن بیرون با دوستانم و... همه اینها خرجه دیگه. واسه همین از خانوادم جدا شدم تا بتونم یه کار با درآمد خوب پیدا کنم. الان با پولی که در می‌آرم نه تنها خرج خودم رو می‌دم تا حدودی هم دو تا خواهر کوچکتروم رو حمایت می‌کنم...

اما در کنار این افراد برخی از دختران امروز جامعه ما در پی تغییرات به وجود آمده به این نتیجه رسیده‌اند که شغل یک معیار ارزش‌گذار برای کسب موفقیت آنها در جامعه می‌باشد. آنها معتقدند در شرایط فعلی جامعه اگر فردی دارای مدرک دکترا هم باشد ولی شغل نداشته باشد از هیچ امتیاز اجتماعی برخوردار نخواهد بود. در واقع شاغل بودن و حضور و مشارکت اجتماعی از منظر مردم ارزش دارد. براساس همین دیدگاه دخترانی که نتوانسته‌اند در شهر خود شغلی بیابند برای یافتن آن به تهران مهاجرت نموده‌اند، اگر چه بیشتر آنها در شغل‌های پاره‌وقت اجرایی، بازاریابی، تبلیغاتی و نظیر آن که هیچ ارتباطی با رشته تحصیلی‌شان ندارد مشغول به کار می‌باشند، اما این موقعیت را برای خود نسبت به گذشته خیلی ارزشمند ارزیابی می‌کنند.

پدر من از نظر شرایط مالی وضع خیلی خوبی داره و می‌تونه همه نیازهای منو برآورده کنه. اون قدر که خیلی راحت می‌تونه یه ماشین برام بگیره و ... اما من به خاطر پول نیومدم اینجا برای این اومدم که الان دیگه کسی برای دخترهای بیکار ارزش قائل نیست حتی اگه تحصیلکرده باشن. الان سر کار رفتن واسه دخترها خیلی مهمه. کسی ازت نمی‌پرسه چی کاره‌ای ولی همه می‌پرسن شاغلی؟ واسه همین کار برام مهمه اگه شغلی مورد نظرم تو شهر خودمون باشه، برمی‌گردم...

در این میان برخی از سوژه‌های تحقیق، ارزشمندی کسب درآمد را با دلیل دیگر بیان می‌کردند. از نظر آنها خانواده تا زمان محدودی می‌تواند و باید جوابگوی نیازهای مالی فرزندان باشد. برخی از دختران تحصیلکرده که بنا به دلایل مختلف تاکنون موفق به ازدواج نشده‌اند، معتقدند خانواده نباید بار مالی آنها را به دوش بکشد. از نظر آنها والدین وظیفه خود را نسبت به آنان ادا نموده و در حال حاضر آنها سربار خانواده هستند. به همین جهت برای رهایی از این حس سربار خانواده بودن به قیمت تحمل رنج دوری از خانواده، برای کسب استقلال و درآمد مالی تلاش می‌کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه می‌توان گفت یکی از زمینه‌های اصلی روی آوردن دختران به تک‌زیستی اشتغال است که به دلایل مختلف نظیر نیاز مالی، نیاز به پایگاه اجتماعی بالاتر و در نهایت رهایی از احساس روانی سربار خانواده بودن و مواردی از این قبیل انجام می‌شود. نکته‌ای که نباید نادیده گرفته شود، شرایط این دختران برای یافتن کار است. بیشتر دختران تک‌زیست پاسخگو که در شرکت‌های خصوصی شاغل بودند تنها زندگی کردن را به عنوان یک امتیاز برای یافتن شغل می‌دانستند. آنها اذعان داشتند که کارفرمایان بر این باورند که از آنجایی که این دختران تنها زندگی می‌کنند و مجبور به پاسخگویی به خانواده در خصوص ساعت‌های رفت و آمدشان نیستند، یا اینکه نیاز به زمانی برای انجام مسئولیت‌های خانوادگی ندارند بهتر می‌توانند به مسئولیت شغلی خود بپردازند و در صورت نیاز ساعت‌های زیادی را در محل کار سپری می‌کنند.

طبق نتایج به دست آمده از پژوهش، زمینه‌های تک‌زیستی دختران حوزه‌های مختلفی از مباحث خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد. اما نکته مهم این است که بیشتر دختران تک‌زیست پاسخگو در نهایت دلیل اقدام به این شیوه از زندگی را از روی اجبار و برای رهایی از مشکلات خود دانسته‌اند. در میان عوامل ذکر شده، تغییرات و مشکلات به‌وجود آمده در نهاد خانواده مهم‌ترین امر گسترش این زندگی از منظر دختران تک‌زیست پاسخگو است. این در حالی است که نتایج به دست آمده از تجربه زیستی دختران تک‌زیست در پژوهش حاضر نشان داد که اقدام به تک‌زیستی نه تنها مشکلات آنها را کاهش نمی‌دهد بلکه در بیشتر موارد بر مشکلات آنها نیز می‌افزاید. به عنوان مثال بیشتر دختران تک‌زیست قبل از تشکیل زندگی مستقل بر این باورند که این زندگی احتمال ازدواج آنها را افزایش خواهد داد در حالی که طبق نتایج به دست آمده و تجربه

آنها، تک‌زیستی و نگرش منفی افراد جامعه به این دختران، شانس ازدواج آنها را به شدت کاهش می‌دهد.

از مهم‌ترین موارد تجربه زیست دختران تک‌زیست طبق اظهارات دختران پاسخگو می‌توان به اضطراب، افسردگی، خلأ محبت و نداشتن آرامش، نداشتن احساس امنیت، نداشتن برنامه مشخص در زندگی، روزمرگی، آسیب‌های ناشی از دوستی با جنس مخالف و سوءاستفاده از تنهایی این دختران به علت عدم کنترل خانواده، افزایش وابستگی‌های افراطی به دوستان برای پر کردن خلأ عاطفی و مشکلات ناشی از آن، عدم پذیرش این شیوه از زندگی از سوی افراد جامعه، بدبینی افراد جامعه نسبت به این دختران و در نهایت ناامیدی این دختران از زندگی اشاره نمود. به طور خلاصه می‌توان گفت تمامی دختران پاسخگو به امید حل مشکلات به این شیوه زندگی اقدام نموده‌اند و با گذشت زمان با مشکلات، مسائل و آسیب‌های جدیدی مواجه شده‌اند. لذا به نظر می‌رسد با انجام پژوهش‌های بیشتر و بررسی دقیق تمام ابعاد این زندگی باید در خصوص شرایط و پیامدهای ناشی از این زندگی به جوانان اطلاع‌رسانی نمود تا آنها قبل از اقدام به تک‌زیستی با مشکلات و شرایط واقعی ناشی از این زندگی آگاهی یابند و ناآگاهانه در این زمینه اقدام ننمایند. در نهایت ذکر این نکته ضروری است که همانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر آسیب‌ها و مشکلات ناشی از تک‌زیستی دختران نه تنها بر زندگی آنها بلکه بر تمامی ابعاد جامعه دارد داشت و می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های جدی برای خانواده‌ها گردد.

#### منابع

- ۱- اینگلهارت؛ رونالد، (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه، مریم وتر، انتشارات کویر، تهران.
- ۲- زاد ارمکی؛ تقی، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، انتشارات سمت، تهران.

- ۳- بلادی موسوی؛ صدرالدین، (۱۳۸۳)، تحصیلات عالی، موازنه جنسی و ازدواج، فصلنامه کتاب زنان، ش ۲۶، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.
- ۴- بهنام؛ جمشید، (۱۳۵۰)، ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران.
- ۵- پناهی؛ محمدحسین، (۱۳۸۰)، فاصله نسلی و اختلافات خانوادگی و چگونگی برخورد با آن، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، سال یازدهم، شماره ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان، تهران.
- ۶- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۹)، آینده پژوهی مسائل خانواده، مجموعه مقالات، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران.
- ۷- چیل؛ دیوید، (۱۳۸۸)، نگرشی جامعه‌شناختی به خانواده‌ها در دنیای امروز، ترجمه: محمد مهدی لیبی، نشر افکار، تهران.
- ۸- حق‌شناس؛ جعفر، (۱۳۸۹)، آسیب شناسی خانواده، مجموعه مقالات، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم.
- ۹- ریتزر؛ جرج، (۱۳۶۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، علمی، تهران.
- ۱۰- ساروخانی؛ باقر، صداقتی فرد؛ مجتبی، (۱۳۸۸)، شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شمار چهارم، زمستان.
- ۱۱- کوری؛ علی، آزاد ارمکی؛ تقی، (۱۳۸۱)، مدرنیته و خانواده ایرانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ - شماره ۳۰ و ۳۱.
- ۱۲- شهری؛ لاله، (۱۳۸۶)، بررسی پی‌آمدهای اجتماعی افزایش سن ازدواج دختران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد رودهن)، تهران.
- ۱۳- شکرپیگی؛ عالیه، ساروخانی؛ باقر، (۱۳۸۷)، مطالعه جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی در تقابل سنت و مدرنیته، مقاله برگزیده همایش چالش‌های حقوق زن و خانواده در ایران، تهران.

- ۱۴- فلیک؛ اووه، (۱۳۸۷)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران.
- ۱۵- کاظمی پور؛ شهلا، (۱۳۸۳)، تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳، پاییز، تهران.
- ۱۶- گیدنز؛ آنتونی، (۱۳۷۹)، **جهان رهاشده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان**، ترجمه: علی اصغر سعیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب، علم و ادب، تهران.
- ۱۷- گیدنز؛ آنتونی، (۱۳۸۵)، **تجدد و تشخیص**، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران.
- ۱۸- گیدنز؛ آنتونی، (۱۳۸۴)، **پیامدهای مدرنیته**، محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران.
- ۱۹- محمد؛ کاظم و دیگران، (۱۳۸۶)، روند تغییرات سن اولین ازدواج زنان ایرانی براساس اطلاعات طرح ملی سلامت و بیماری در ایران (سال ۱۳۷۸)، **فصلنامه پایش**، سال ششم، شماره ۲، بهار، تهران.
- ۲۰- محمدپور؛ احمد، (۱۳۹۰)، **روش تحقیق کیفی: ضد روش**، ج ۱ و ۲، نشر جامعه شناسان، تهران.
- ۲۱- مهدوی؛ محمدصادق، (۱۳۹۱)، **بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج**، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران.
- ۲۲- محمدپور؛ احمد و دیگران، (۱۳۸۸)، بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای: مطالعه موردی ایلات منگور و گورک، **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز، تهران.
- ۲۳- محمدپور؛ احمد و دیگران، (۱۳۸۸)، سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه‌ی تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی، **فصلنامه پژوهش زنان**، دوره ۷، شماره ۴، زمستان خبرگزاری مهر ۱۳۸۹/۱۲/۱۴.
- ۲۴- ----- (۱۳۸۹)، **مضيقه ازدواج؛ علل و پیامدها**، نشریه حورا، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، قم.



- ۲- Berg, B. (۲۰۰۶), “**Qualitative Research Methods for the Social Science** ,New York: Allyn and Becon.
- ۳- C.F. Maxwell, (۲۰۰۴).
- ۴- Ritche & Lewies, (۲۰۰۵).
- ۵- See Kain, (۱۹۹۰).

---

...